



درآمدی بر نماز در قطب

پدیدآورنده (ها) : رهبری، حسن

فقه و اصول :: نشریه فقه :: بهار و تابستان ۱۳۸۸، سال شانزدهم - شماره ۱ (ISC)

صفحات : از ۳۸۰ تا ۴۰۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/629924>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- آثار نماز شب در قیامت
- قضای نماز به جای غیر
- گزارش سفر با همکاران رسان های ارتباط جمعی به سوئد و نروژ - ۲ / نماز آخر؛ مسجد اهل سنت در استکهلم
- نماز، راز پایداری عاشورائیان
- علل گریز جوانان از نماز - ۱
- عوامل مرتبط با اقامه نماز در دانش آموزان دبیرستان ها و دانشجویان دانشگاه های شهر کرمان
- گزارشی از طرح مآخذشناسی تربیت اخلاقی
- بازنمایی فریضه «نماز» در چیستان های عامه
- از سلسله برنامه های پرسش و پاسخ: جمع بین دو نماز
- از سلسله برنامه های پرسش و پاسخ: جمع بین دو نماز؟ (۲)
- آموزش: یک تجربه سبز! بررسی اهمیت نماز در زندگی
- فضای صدور

عناوین مشابه

- درآمدی بر اخلاق باور در نظام عدالت کیفری
- آیین زندگی در سایه همسایگان؛ معرفی اجمالی کتاب «درآمدی بر اخلاق همسایگی براساس آموزه های اسلامی» و برش هایی از آن
- درآمدی بر نظریه دینی در علم تاریخ
- درآمدی بر انسان سیاسی در فرهنگ اسلامی
- درآمدی بر شخصیت و روش شناسی کلامی سید دلدار علی نقوی در تبیین امامت بر اساس کتاب عماد الاسلام
- نظام سازی دینی در جهان معاصر: درآمدی بر تبیین نظام مند بودن اخلاق قرآنی
- درآمدی بر تبیین نهادی علل پایین بودن بهره‌وری در اقتصاد ایران
- درآمدی بر مواجهه مسیحیان ایران با فاتحان مسلمان در سده نخست هجری
- درآمدی بر آموزه های پارادایم فرامتن در فرایند یاددهی - یادگیری و نقد آن
- بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری سطوح درآمدی روستاییان در چهارچوب مدل سه شاخگی (مورد مطالعه: شهرستان اسلامشهر)

درآمدی بر نماز در قطب

حسن رهبری



پیشگفتار

فن آوری روز، تسهیلات ماشینی و وسایط نقلیه مجهز و سریع السیر هوایی، زمینی و دریایی، سفر در کره زمین را برای بشر بسیار سهل و آسان نموده است. روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشورهای مختلف جهان با همدیگر، رفت و آمدها را شدت بخشیده و روزانه ده ها هواپیمای غول پیکر، کاروانی از نمایندگان سیاسی، بازرگانان، اساتید، دانشجویان، بیماران، متخصصان و گردشگران را در این زمین دایره ای شکل از جایی به جای دیگر و از قطبی به قطبی دیگر جابه جا می کنند. بدیهی است که مسلمانان پراکنده در سطح این کره خاکی نیز مأموریت های گوناگون دولتی، تجاری و شخصی بر عهده دارند که آنان را ناگزیر از سکونت یا رفت و آمد در جاهای دوردست می کند.

مسافر با فاصله گرفتن از استوای زمین و رفتن به طرف نقاط شمالی تر و جنوبی تر آن، نابرابری طول شب و روز را به تدریج بیشتر می یابد، چنان که در مناطق بالاتر از حدود ۵/۶۶ درجه عرض جغرافیایی از اواخر اردیبهشت تا

اوایل مرداد در نیم کره جنوبی، خورشید در تمام ۲۴ ساعت در بالای افق است و حتی در شب نیز غروب نمی‌کند.

طولانی‌ترین روز جهان در ناحیه قطب شمال به مدار ۶۶ درجه و ۳۳ دقیقه روز اول تیرماه است. مردم این نواحی در این روز، خورشید را در تمام ساعت و حتی نیمه شب در بالای افق می‌بینند و این پدیده را «خورشید نیمه شب» می‌نامند.^۱ درست در همان زمان در ناحیه قطب جنوب، یک شب ۲۴ ساعته حاکم است و در این مدت، خورشید در آسمان ظاهر نمی‌شود. البته شب‌های قطبی - به ویژه در نواحی نزدیک به نقطه قطب، کامل نیست، بلکه به دلیل آنکه خورشید تنها کمی پایین‌تر از افق قرار می‌گیرد، مقداری روشنایی در آسمان دیده می‌شود.

تغییر فصول در نواحی قطب با تغییرات زیاد طول روز و شب همراه است. مسافر هرچند از نقطه قطب که دارای ۶ ماه روز یا ۶ ماه شب است به سمت مدارهای قطبی پیش می‌رود تعداد روزها و شب‌های ۲۴ ساعته را کمتر می‌یابد، چنان‌که نقاط واقع بر مدارهای قطبی ۶۶ درجه و ۳۳ دقیقه تنها یک روز یا شب ۲۴ ساعته در طول سال دارند.^۲ برای نمونه فنلاند با فصول متغیر، دارای بهار، تابستان، پاییز و زمستان متفاوت از هم است و تابستان آن بسیار درخشان و زمستانش بسیار تاریک است. در آن کشور غروب آفتاب از اواخر فصل بهار تا نیمه تابستان دیده نمی‌شود، همچنان در اواخر فصل پاییز تا نیمه

۱. نجوم و اختر فیزیک مقدماتی، مایکل زیلیک و السکی اسمیت، ترجمه: جمشید قنبری و تقی عدالتی، چاپ هفتم، دانشگاه امام رضا(ع)، مشهد، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۹۳.

۲. ر. ک: کشورهای جهان، عبدالحسین سعیدیان، چاپ دوم، انتشارات علم و زندگی، تهران، ۱۳۶۹ ش، ۳۳-۳۴ و ۸۲۶؛ گنجینه‌های دانش، سید محمود اختریان، سید کاظم خلخالی و رحیم چاوش اکبری، نشر محمد، تهران، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۳۷-۲۳۸.

زمستان، طلوع آفتابی وجود ندارد.^۳

در لاپلند (منطقه‌ای در مرز فنلاند و روسیه که محل زندگی قوم «کوچ رولاپن» (لاپ‌ها) است) به مدت دو ماه تمام در زمستان، خورشید طلوع نمی‌کند و بالعکس در تابستان نیز به همین مدت غروب نمی‌کند. وضعیت در قطب متفاوت‌تر از این است، چنان‌که یک شب شش ماهه یا یک روز شش ماهه را در پی دارد.

آفتاب در شمالی‌ترین کشور قاره اروپا یعنی سوئد، تقریباً از اواسط اردیبهشت‌ماه تا اواخر تیرماه، دو سه ساعت غروب می‌کند و بدون اینکه هوا کاملاً تاریک شود، دوباره طلوع می‌کند و روز آفتاب دیگر را پدید می‌آورد. سوئدی‌ها این وضعیت را که ده روز ادامه می‌یابد صد روز بدون شب یاد می‌کنند. در نقاط نزدیک‌تر به شمال سوئد روزهایی که آفتاب نیمه شب مشاهده می‌شود نیز طولانی‌تر است.

در بیشتر مناطق شمالی نروژ معمولاً شش ماه شب است و شش ماه روز. مسلمان دین دار در چنین موقعیت‌هایی چون دفتر فقه و زندگی خود را می‌گشاید تا برای انجام اعمال عبادی خود راهنمایی بیابد، یا چیزی پیدا نمی‌کند یا در مطابقت آنچه می‌یابد با آموزه‌های قرآنی و معیارهای شرعی دچار تردید و اشکال می‌شود. از این رو باید دید که نماز در اسلام چه جایگاهی دارد و آیا اصل بر نماز است یا وقت آن یا هر دو.

جایگاه نماز در اسلام

بنابر آموزه‌های وحیانی، نماز شاخص‌ترین نشانه دین و ایمان^۴ و مهم‌ترین

۳. فنلاند، همایون روستایی خشک‌بیجاری، چاپ اول، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۴. «انما المؤمنون... الذین یقیمون الصلوة...» (انفال، آیه ۲ و ۳)؛ رسول خدا(ص) لکل شیء وجه ووجه دینکم الصلوة (بحار، ۸۲، ۳۱۰)

ابزار و یادآوری خداوند عالمیان،^۵ پایه‌ای استوار برای بنای شریعت،^۶ شاهره رستگاری و پاکیزگی،^۷ مایه تقویت انسان در برابر سختی‌ها،^۸ تنظیم‌کننده حرکات و سکناات انسان در حریم‌های خصوصی و عمومی^۹ و بازدارنده انسان از زشتی‌ها و پلیدی‌هاست.^{۱۰}

نمازی چنان، هنگامی صورت می‌پذیرد که آن را با شرایطش به جا آورند؛ با خشوع خواندن،^{۱۱} همیشه خواندن،^{۱۲} حقوق محرومان و بی‌نوایان را ادا کردن،^{۱۳} زکات مال را دادن،^{۱۴} به روز بازپسین ایمان داشتن^{۱۵} و دیگر. داخل شدن وقت نماز نیز از دیگر شرایطی است که صحت نماز به تحقق آن وابسته است و اساساً نماز وقتی موضوعیت می‌یابد که انسان به ورود وقت آن اطمینان یابد.^{۱۶}

اهمیتی چنین برای نماز، روشن می‌نماید که این فریضه از احکام ثابت و

۵. «... فاعبدنی وأقم الصلوة لذكری». (طه، آیه ۱۴)
۶. علی (ع): «اللّٰه فی الصلوة فإنها عمود دینکم». (نهج البلاغه، نامه ۴۷)
۷. «قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربّه فصلی». (اعلی، آیه ۱۴ و ۱۵)
۸. «إنّ الانسان خلق هلو عاً... الا المصلین». (معارض، آیه ۱۹-۲۲)
۹. رسول خدا (ص): «الصلوة میزان فمن أوفی إستوفی». (نهج الفصاحه، ص ۳۹۶، ح ۱۸۷۶)
۱۰. «إنّ الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر». (عنکبوت، آیه ۲۵)
۱۱. «... الذین هم فی صلاتهم خاشعون». (مؤمنون، ۲۳، ۳)
۱۲. «... الذین هم علی صلاتهم دائمون». (معارض، ۷۰، ۲۳)
۱۳. «والذین هم فی اموالهم حق معلوم؛ للسائل والمحرّم». (همان، ۲۴-۲۵)
۱۴. «الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکاة». (نمل، ۲۷، ۳؛ لقمان، ۴، ۳۱) و امام صادق (ع): «لا صلوة لمن لا زکاة له». (بحار، ۸۴، ۲۵۲)
۱۵. «... وهم بالآخرة هم یوقنون». (نمل و لقمان، همان)
۱۶. امام صادق (ع): «من صلی الصلاة لغير وقتها رفعت له سواد مظلمة، تقول ضیعتنی ضیعتک اللّٰه...». (فقه الامام الصادق، محمدجواد مغنیه، (۱۴۰۰ ق)، مؤسسه انصاریان، قم، ۱، ۱۴۲).

همیشگی به شمار می‌رود و براساس نیازمندی‌های فطری بشر تشریح شده است. اگر نماز از دایره تکالیف بیرون رود، به سستی ایمان می‌انجامد و آثار معنوی آن مانند سوق دادن انسان به خیرات و حسنات و بازداشتن او از فحشا و منکرات تعطیل خواهد شد.

بدیهی است در وضعیتی که این تکلیف به دلیل حاصل نشدن شرایط ضروری به جا آورده نشود آثار منفی و تخریبی نیز نخواهد داشت؛ زیرا آنجا که انجام یا ترک عملی براساس تکلیف است، هر دو تسلیم در برابر امر الهی به شمار می‌رود و عبادت است و مایه تقرّب:

وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛^{۱۷}

آنچه را رسول خدا برای شما آورده است، بگیرید، و از آنچه نهی کرده است، خودداری کنید.

اسلام با آن همه تأکیدی که بر مداومت و حفاظت از نماز دارد، زنان را در روزهای عادت ماهانه از آن باز می‌دارد، جنگجویان را در میدان جهاد و مسافران را به کوتاه خواندن (تقصیر) آن فرمان می‌دهد.^{۱۸} و به طور کلی ادای آن را در زمان‌های مشخصی از شبانه‌روز بیان می‌کند. پس برخی از این دستورها نشان می‌دهد که آثار فطری و تشریحی نماز حتماً بر هفده رکعت در طول شبانه‌روز منحصر نبوده و شرایط زمانی و مکانی و اوقات تعیین کننده مقدار آن است.

حال تکلیف نماز و روزه گزار در جاهایی که اوقات آنها با اوقات معمولی و شبانه‌روز آنها با شبانه‌روز مناطق معمولی تطبیق نمی‌نماید چیست؟ در پاسخ به این سؤال ابتدا دیدگاه فقیهان اسلامی و سپس دیدگاه قرآنی در ادامه می‌آید:

۱۷. حشر ۵۹، آیه ۷.

۱۸. نساء، آیه ۱۰۳.

مروری بر فتاویٰ فقها درباره نماز در مناطق قطبی

۳۸۵



فقه

درآمدی بر نماز در قطب

برخی از فقیهان که به بیان تکلیف و حکم نماز و روزه در مناطق قطبی پرداخته‌اند، به دیدگاه‌های ناهمسانی رسیده‌اند که در زیر می‌آید:

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی نخستین فقیهی به شمار می‌رود که به

این موضوع پرداخته است. وی می‌نویسد:

إذا فرض كون المكلف في مكان الذي نهاره ستة أشهر وليله

ستة أشهر أو نهاره ثلاثة وليله ستة أو نحو ذلك فلا يبعد كون

المدار في صومه وصلاته على البلدان المتعارفة المتوسطة

مخيراً بين افراد المتوسط؛ واما احتمال سقوط تكليفهما عند

فبعيد كاحتمال سقوط الصوم وكون الواجب صلاة يوم واحد

وليلة واحدة؛ ويحتمل كون المدار بلده الذي كان متوطناً فيه

سابقاً إن كان له بلد سابق. ۱۹

از این نوشته صاحب عروه چنین استنباط می‌شود که ایشان برای تعیین

تکلیف نماز و روزه در مناطق قطبی چهار تکلیف احتمالی را مطرح می‌نماید:

۱. ملاک، سایر مناطقی است که شب و روز متعارفی دارند؛

۲. تکلیف نماز و روزه ساقط است؛

۳. روزه ساقط است و در مورد نماز هم در تمامی ماه‌هایی که روز است

تنها نماز یک روز و در تمامی ماه‌هایی که شب است تنها نماز یک شب واجب

است؛

۴. ملاک وطن سابق است - اگر وطن سابق داشته باشد.

ایشان از میان این احتمالات چهارگانه، احتمال دوم و سوم (سقوط

تکلیف و وجوب آن تنها در یک روز و یک شب در طول سال) را بعید دانسته و

۱۹. العروة الوثقی، سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۸۸ ق، ۳۷۱.



احتمال اول و آخر را نزدیک به ذهن اعلام می کند.

فقیهانی که بر کتاب عروه، حاشیه زده یا شرح کرده اند، در توضیح این مسئله نوشته اند:

۲. آقاضیاءالدین عراقی: احتمال دوم (سقوط تکلیف) بعید نیست. ۲۰
۳. میرزا محمدتقی آملی: دلیلی وجود ندارد که نمازگزار در مناطق قطبی، بلاد متوسطه را معیار تکلیف نماز و روزه بینگارد، اما درباره احتمال سقوط که صاحب عروه آن را بعید دانسته، چندان بعید به نظر نمی رسد. ۲۱
۴. سیدمحسن حکیم: احتمال سقوط نماز و روزه با ادله شرعی سازگارتر می نماید، هر چند که این احتمال خارج از موضوع است. ۲۲
- ایشان در جای دیگر می نویسند: احتمال سوم (از وجوب نماز یک روز و یک شب در طول سال) با ادله بیشتر موافق می نماید. ۲۳
۵. سیدابوالقاسم خوئی: وجوب نماز و روزه بر معیار دیگر شهرهای با شب و روز معمولی جداً مشکل است، اما وجوب هجرت به مناطقی که دارای شب و روز متعارفند و اجرای نماز در آن ممکن است، بعید به نظر نمی رسد ۲۴ و در صورتی که ناچار از سکونت در آنجا باشد، روزه به طور ادا ساقط و قضای آن واجب نمی شود، هر چند احتیاط آن است که نماز و روزه را در هر ۲۴ ساعت به جای آورد، زیرا که ترک آن سزاوار نیست. ۲۵

۲۰. تعلیقة الاستدلالية علی العروة الوثقی، آقاضیاءالدین عراقی (۱۳۶۱ ق)، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق، ۱۶۷.

۲۱. مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، میرزا محمدتقی آملی (۱۳۹۱ ق)، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ ق، ۸، ۴۰۸.

۲۲. همان.

۲۳. مستمسک العروة الوثقی، سیدمحسن طباطبایی حکیم (۱۳۹۰ ق)، چاپ اول، مؤسسه دارالتفسیر، قم، ۱۴۱۶ ق، ۸، ۴۸۰.

۲۴. همان، پاورقی.

۲۵. کتاب الصوم، السید الخویی، ۱۴۵.

۶. سیدمحمد رضا گلپایگانی: احتمال دارد که اجرای حکم نزدیک ترین مکان‌ها که دارای شب و روز متعارفند، بر آن مناسب باشد. ۲۶

۷. امام خمینی: نماز ظهر و عصر در شب صحیح نیست، اگرچه بر ظهر افق‌های ما منطبق باشد و روزه در قسمتی از روز یا شب صحیح نیست، اگرچه به مقدار روز ما باشد. ۲۷

بیان ایشان در تحریر الوسیله، ظهور در این دارد که در تمام سال که در قطب یک شبانه‌روز است، پنج نماز (هفده رکعت) بیشتر واجب نیست و روزه نیز در ماه رمضان در آنجا ساقط است. ۲۸

۸. سیدعلی سیستانی: بنابر احتیاط واجب، نزدیک ترین مکان به قطب را که شبانه‌روز آنجا ۲۴ ساعت است در نظر بگیرید و نمازهای یومیه را بر طبق اوقات آنجا بدون قصد قضا و ادا به جا آورند. ۲۹

۹. محمدابراهیم جناتی: «کسی در جایی زندگی کند که روز آن شش ماه و شب آن نیز شش ماه باشد، اگر می‌تواند به منطقه‌ای برود که نمازهای پنج‌گانه را مطابق اوقات خودشان به جا آورد، باید به آنجا برود و آنها را انجام دهد و اگر نمی‌تواند باید آنها را مطابق اوقات نزدیک ترین مکانی که شبانه‌روز ۲۴ ساعته دارد به جا آورد. اگر تشخیص نزدیک ترین مکان مذکور هم ممکن نباشد، باید در هر ۲۴ ساعت، نمازها را به جا آورد و اما روزه رمضان را اگر بتواند به شهری برود که روزه را در وقت آن بگیرد، باید به آنجا برود و روزه را

۲۶. همان.

۲۷. تحریر الوسیله، امام خمینی، چاپ دوم، دارالکتب العلمیه، نجف الاشرف، ۱۳۹۰ ق، ۲، ۶۳۸.

۲۸. ر. ک: رساله استفتائات، حسینعلی منتظری، نشر تفکر، قم، ۱۳۷۳ ش، ۵.

۲۹. تعلیقه علی العروة الوثقی، سیدعلی سیستانی، ۲، ۲۶۱؛ سایت اینترنتی آیت‌الله سیستانی، بخش سوال‌ها و جواب‌ها؛ فقه برای غرب‌نشینان، سیدعلی سیستانی، مساله ۷۱.



بگیرد و اگر نتواند باید بعد از ماه رمضان به آنجا برود و روزه آن را قضا کند و اگر این را هم نتواند، می تواند به جای روزه، فدیة بدهد». ۳۰

۱۰. سید محمد حسین فضل الله: در مناطقی که شب و روز آنها چند روز و یا چند ماه طول می کشد، مکلف باید نمازهای پنج گانه را در هر ۲۴ ساعت به جای آورد و اختیار دارد که آنها را هر گونه و هر وقت که می خواهد انجام دهد، یا اینکه نزدیک ترین مناطق دارای شب و روز معمولی را معیار اوقات نماز خود قرار دهد، هر چند دومی بهتر است. ۳۱

۱۱. ناصر مکارم شیرازی: ساکنان مناطق قطبی موظفند بر طبق مناطق معتدل رفتار نمایند، ۳۲ یعنی روزهای هفته و ماه را طبق مناطق معتدله که شب و روز [معمولی] دارند در نظر بگیرند؛ شنبه و یکشنبه و ... ماه و سال را حساب بکنند، ۳۳ با این تفاوت که ایشان زمان نمازها را بر حسب مناطق معتدل مشخص نمی کند و برای تعیین آنها روش طبیعی را پیشنهاد می نماید.

ایشان با بسیار ساده خواندن تشخیص شب و روز در مناطق قطبی، راه شناسایی ظهر و نیمه شب را در آنجا چنین مطرح می کند:

«... در مناطقی که آفتاب غروب نمی کند و به اصطلاح، آفتاب نیمه شب دارند، آفتاب در افق دائماً در گردش است و هر ۲۴ ساعت یک بار سر تا سر افق آن را دور می زند (البته در واقع کره زمین گردش می کند ولی به نظر

۳۰. رساله توضیح المسائل (استفتائات)، محمد ابراهیم جناتی، قم، ۱۳۸۲ ش، ۲، ۶۴ و ۶۵.

۳۱. المسائل الفقهیه، سید محمد حسین فضل الله، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ۱۹۰، مسأله ۵۳۳.

۳۲. استفتائات جدید، ناصر مکارم شیرازی، گردآوری: ابوالقاسم علیان نژاد، چاپ دوم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم، ۱۳۸۵ ش، ۱، ۹۰.

۳۳. ر. ک: بحوث فقهیه هامه، ناصر مکارم شیرازی، چاپ اول، مؤسسه علی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۴۲۲ ق، ۸۱-۹۴؛ و- همه می خواهند بدانند، ناصر مکارم شیرازی، دارالفکر، قم، ۱۳۴۷ ش، ۱۱۱ و ۱۱۲.

می‌رسد که آفتاب به دور آن می‌گردد). یعنی اگر شما در آن یک ماه که آفتاب در بعضی از شهرهای کشور فنلاند غروب نمی‌کند در آنجا باشید، می‌بینید که قرص کم‌رنگ آفتاب دائماً در کنار افق است و مانند عقربه ساعت در گردش می‌باشد، و ۲۴ ساعت طول می‌کشد که یک دور کامل در افق بگردد؛ آهسته آهسته از سمت مشرق به جنوب و از آنجا به طرف مغرب و از آنجا به شمال و مجدداً به سوی نقطه مشرق باز می‌گردد.

ولی توجه داشته باشید که قرص آفتاب گرچه دائماً در کنار افق دیده می‌شود ولی فاصله آن با افق در ۲۴ ساعت یکسان نیست، یعنی گاهی کمی اوج می‌گیرد و بالا می‌آید و هنگامی که حداکثر اوج خود را طی کرد رو به طرف افق پایین می‌آید تا به حداقل برسد، آن‌گاه مجدداً اوج می‌گیرد.

علت این تغییر وضع آفتاب همان انحراف $23/5$ درجه «محور» زمین نسبت به «مدار» آن می‌باشد. روی این حساب هنگامی که آفتاب به آخرین نقطه اوج خود برسد نیمه روز آنجا محسوب می‌گردد؛ چون در این موقع آفتاب درست روی نصف النهار آنجا قرار دارد.

به عبارت روشن‌تر، وقتی که آفتاب خوب بالا آمد «ظهر» آنجاست و به این ترتیب هنگامی که آفتاب، کاملاً پایین رفت (و به حداقل ارتفاع رسید) درست مطابق «نیمه شب» آنجاست و آن آفتاب کم ارتفاع هم همان آفتاب نیمه شب است.

بدیهی است روشنی هوا در ۲۴ ساعت در این نقاط یکنواخت نیست، بلکه هنگامی که آفتاب بالا می‌آید - به اصطلاح - روز آنجاست، هوا کاملاً روشن می‌شود و هنگامی که آفتاب پایین می‌رود و به نزدیکی افق می‌رسد هوا کمی تاریک و مانند هوای گرگ و میش بین الطلوعین خودمان می‌گردد و روی این حساب آنها هم برای خود روز و شبی دارند ولی نه مانند روز و شب ما.

از بیانات بالا به خوبی روشن شد که تشخیص وقت دقیق «ظهر» و «نیمه شب» در این نقاط کاملاً ساده است. همه کس می‌تواند با نصب یک شاخص

مناطق قطبی باید آنجا را ترک کنند و به مناطق معتدل بروند و هجرت کنند تا بتوانند نمازهای یومیه و روزه خود را در اوقات تعیین شده به جا آورند و اگر ناگزیر از اقامت در آنجا باشند، ظاهر این است که تکلیف به صورت ادا از آنها ساقط و قضای آن واجب می شود.

کوچک (قطعه چوب یا میله آهنی که کاملاً بر زمین عمود باشد) از کم و زیاد شدن سایه آن، ظهر و نیمه شب را تشخیص دهند، یعنی هنگامی که سایه شاخص به حداقل رسید درست موقع ظهر و هنگامی که به حداکثر رسید نیمه شب است.

ایشان می افزاید:

«لابد خواهید گفت فکرمان از نظر تشخیص ظهر و نیمه شب در این مناطق هنگامی که روزهای طولانی وجود دارد کاملاً راحت شد، ولی هنگامی که شب های طولانی بر این نقاط سایه افکنده است چه باید کرد.

خوش وقتیم که به شما اعلام کنیم که حرکت ستارگان در این شب های طولانی به دور افق نیز شبیه حرکت آفتاب در روزهای طولانی آنجاست.

واضح تر بگوییم ستارگان در آنجا کمتر طلوع و غروب دارند، بلکه چنین به نظر می رسد که همه دسته جمعی دور تا دور افق را گردش می کنند (البته در واقع زمین گردش می کند نه ستارگان).

منتها حرکات آنها هم به دور افق یکسان نیست؛ گاهی کمی اوج می گیرند و سپس پایین به طرف افق می آیند، به طوری که

اگر یک ستاره را در کنار افق نشانه کنیم هنگامی که به حداکثر ارتفاع خود رسید حتماً روی خط نصف النهار و درست هنگام ظهر است و موقعی که به حداقل ارتفاع خود رسید درست نیمه شب می باشد.

این موضوع را هم نباید هرگز از نظر دور داشت که تیرگی هوای شب های طولانی آنجا، در ۲۴ ساعت یکسان نیست؛ گاهی هوا کمی روشن می شود (مانند هوای گرگ و میش بین الطلوعین) و آن روز آنجا محسوب می گردد و سپس رو به تاریکی کامل می رود که شب واقعی آنها می باشد.

از مجموع این توضیحات نتیجه می گیریم که شناختن ظهر و نیمه شب در شب های طولانی مناطق قطبی مسئله ای است حل شده و غیر قابل ایراد و نیازمند به هیچ وسیله خاصی مانند ساعت و رادیو و امثال آن نیست». ۳۴

آیت الله مکارم شیرازی پس از بیان این شیوه شناسایی برای شب و روز در مناطق قطبی دلایل فقهی خود را بر فتوایی که بدان رسیده، چنین تبیین می کند: از نظر فقه اسلامی هیچ موضوع و هیچ حادثه ای بدون حکم نیست و به عبارت دیگر، قوانین اسلامی آن چنان جامع است که حکم هیچ موضوعی را فروگذار نکرده است.

این یک ادعا نیست؛ یک واقعیت است و برای افرادی که از نزدیک با مسائل فقهی آشنایی دارند کاملاً مشهود می باشد.

منتهی موضوعات بر دو قسمند:

۱. موضوعاتی که حکم مخصوص به خود دارند و در مدارک اسلامی صریحاً حکم آن ذکر شده است (و به اصطلاح علمی، منصوص می باشند)؛

۲. موضوعاتی که حکم خاصی برای آن تعیین نشده و باید به قواعد و اصول کلی اسلامی رجوع شود و حکم آن از آنها استنباط گردد... .

موضوع مورد بحث، یعنی وظیفه کسانی که در مناطق قطبی زندگی می کنند از قسم دوم است، یعنی حکم آنها را می توان از قواعد و اصول کلی استنباط نمود.

... اصولاً احکام و مقررات اسلامی، منصرف و ناظر به افراد متعارف و عادی است و کسانی که به نحوی از انحاء از حدود متعارف بیرونند باید به روش افراد عادی رفتار نمایند». ۳۵

ایشان سپس در توضیح بیشتر این قاعده، همانندی با افراد عادی در شستن صورت در وضو را برای کسانی مثال آورده که رستگاه موی سر آنان غیر معمولی است، همچنین است حکم کسانی که وجب دستشان همانند افراد عادی نیست که برای اندازه کردن آب کر به مانند دیگران مقیاس می گیرند. ایشان در پایان می نویسد:

این یک قانون کلی و عمومی است و اختصاص به باب معینی ندارد. فقهای ما حکم کسانی را که در مناطق قطبی زندگی می کنند از این قاعده استفاده کرده و عده ای از آنان در فتاوی خود تصریح نموده اند که چنین اشخاصی باید طبق «مناطق معتدله» عمل نمایند. یعنی چون طول شب و روز در این مناطق برخلاف متعارف نقاط روی زمین است، ساکنان آنها موظفند رجوع به حد متوسط نموده و ظایف شرعی خود را مطابق آن انجام دهند. ۳۶

۱۲. آیت الله جعفر سبحانی در مقاله ای که در این باره نگاشته، نتیجه گرفته است: «مناطق قطبی یا نزدیک به قطب به دسته تقسیم می شوند:

۳۵. همان.

۳۶. همان.

۱. برخی از این مناطق به گونه‌ای هستند که در آنها شب و روز به طور جداگانه وجود دارند و هر چند شب و روز در این مناطق متساوی نیستند اما طلوع و غروبی برای خورشید وجود دارد که فرایض روزانه با طلوع خورشید و فرایض شبانه با غروب خورشید انجام می‌گیرد، اگرچه مقدار این شب یا روز کوتاه باشد. ۲. (برخی دیگر از این مناطق به گونه‌ای هستند که دارای روز طولانی می‌باشند) و چنانچه این مناطق دارای روزی طولانی باشند، خواه به شش ماه برسد یا نرسد، از آنجا که خورشید قابل دیدن و حرکتش دورانی و مانند سنگ آسیاب است، بنابراین وقتی حرکت خورشید از شرق به سمت غرب است، روز و وقتی خورشید به دایره نصف النهار برسد، ظهر محسوب می‌شود و زمانی که حرکت خورشید به سمت شرق پایان یابد و حرکتش را به سمت غرب آغاز کند، شب فرا می‌رسد و هنگامی که حرکت خورشید به طرف غرب پایان یابد و خورشید حرکتش را به سمت شرق آغاز کند، ابتدای روز این مناطق است، بدین گونه یک دوره شبانه‌روزی در طی ۲۴ ساعت تکمیل می‌شود.

۳. (برخی مناطق هم هستند که دارای شب‌های طولانی هستند.) چنانچه شب در این مناطق طولانی باشد، خورشید اگرچه قابل رؤیت نیست اما تاریکی در آنها به یک شکل نیست بلکه تاریکی میان تاریکی شدید و تاریکی مایل به سیاهی در نوسان است. بنابراین وقتی تاریکی در این مناطق شدید است، شب محسوب می‌شود و آغاز آن، آغاز نماز مغرب و عشاء است و وقتی تاریکی مایل به سیاهی شروع شود و پرتوهایی از نور آشکار گردد، صبح آغاز می‌شود. بنابراین هرگاه تاریکی خفیف شود، روز این مناطق محسوب می‌شود تا اینکه حالت قبل، تکرار شود. ۳۷

به طور کلی از جمع بندی نظر ایشان هم می‌توان همان دیدگاه رعایت تکلیف بر اساس مناطق معتدله را استخراج کرد.

۳۷. مجله فقه اهل بیت، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۱، ص ۵۷-۵۰، مقاله: نماز و روزه در قطب.

دیدگاه اهل سنت

در سال ۱۳۹۸ هجری قمری، رئیس جامعه اسلامی شهر «المو» از شهرهای بزرگ سوئیس از مجلس شورای افتای عربستان سعودی، درباره حکم نماز و روزه در مناطق قطبی سوال کرد. آن شورا پس از بحث و بررسی در جوانب موضوع، نظر خود را چنین اعلام نمود:

۱. اگر در منطقه ای اقامت دارد که روزانه دارای طلوع و غروب آفتاب است ولی روزهای تابستانی بسیار بلند و روزهای زمستانی بسیار کوتاه دارد بر او واجب است که نمازها را در وقت های شرعی تعیین شده به جا آورد؛ بنابراین قول خداوند متعال که می فرماید:

«أقم الصلوة لدلوك الشمس إلى غسق الليل وقرآن الفجر». ۳۸

«ان الصلوة علی المؤمنین کتاباً موقوتاً». ۳۹

در ادامه به دو حدیث نیز استدلال کرده و سپس می افزاید: اگر کسی به دلیل بلندی زیاد روزها و... عاجز از روزه گرفتن باشد، در آن روزها افطار کند و در روزهای آینده قضا به جا آورد؛ زیرا خدای متعال می فرماید:

«... ومن كان مريضاً أو على سفر فعدة من أيام أخر» (بقره، ۱۸۵).

«لا يكلف الله نفساً الا وسعها» (بقره، ۲۸۶).

«وما جعل عليكم في الدين من حرج» (حج، ۷۸).

۲. اگر کسی در محلی اقامت دارد که روز و شب در آن شش ماه به طول می انجامد، واجب است که نمازهای پنج گانه را در هر ۲۴ ساعت با تعیین وقت آنها از طریق افراد معتمد یا بر اساس نزدیک ترین منطقه ای که تشخیص وقت های نماز در آن ممکن است، به جا آورد؛ زیرا در حدیث نبوی آمده است: «... خمس صلوات فی الیوم واللیلة...». ۴۰

۳۸. اسرا، ۷۸.

۳۹. نساء، ۱۰۳.

۴۰. صحیح بخاری، ۴۶؛ مسلم، ۱۱.

در حدیث دیگری آمده است که رسول خدا (ص) به اصحابش درباره خروج دجال می گفت که پرسیدند: او چه مدتی در زمین می ماند؟ فرمود: چهل روز؛ روزی که مانند سال است، روزی که مانند ماه است و روزی که مانند جمعه و سایر روزهای شماس است. پرسیدند: یا رسول الله! آیا در روزی که به اندازه یک سال است برای ما نماز یک روز کفایت می کند؟

«قال: لا، اقدروا له قدره» (مسلم، ۲۹۳۷) - فرمود: نه! برای آن مقدار تعیین کنید. ۴۱

اینها همه دیدگاه‌هایی بودند که تا به حال فقیهان اسلامی در این خصوص مطرح کرده اند، اما هر کدام نقدی می طلبد تا بیش از پیش، موضوع شناخته شود.

گویا علت وجود دیدگاه‌های بسیار متفاوت در این مسئله فاصله تشخیص در «موضوع شناسی» است که تنقیح مناط و ملاک حکم را با مشکل مواجه نموده و احکام ناهمسانی را به دنبال آورده است. از این رو قبل از پرداختن به بحث اوقات نماز در قرآن و حدیث، موضوع حکم بررسی می شود.

موضوع شناسی

در مسائل فقهی، عناوین سه گانه ای دخالت دارند: حکم، متعلق حکم و موضوع حکم. حکم، همان دستورهای شرعی پنج گانه ای است که عبارتند از واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح. متعلق حکم، آن عملی است که حکم، آن را دربر می گیرد و موضوع حکم، چیزی است که حکم به سبب آن تحقق می یابد.

برای مثال در مسئله «وجوب حج برای مستطیع»، وجوب را حکم، حج را متعلق حکم و مستطیع را موضوع حکم می گویند.

۴۱. فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء، جمع: احمد بن عبدالرزاق

رابطه حکم و موضوع، همان رابطه سبب و مسبب است، مانند: «آتش و حرارت». ۴۲ بدیهی است که تا آتشی نباشد، حرارتی هم وجود نخواهد داشت. اساساً «موضوع شناسی» در فقهات، مقدم بر «حکم شناسی» است و احکام فقهی همواره از موضوعات خود تبعیت می‌کنند. البته گفتنی است که گاه فقیهان از «موضوع»، در مفهوم لغوی یا منطقی آن استفاده کرده‌اند. از این رو در موارد بسیاری متعلق را در معنای موضوع و موضوع را در معنای متعلق به کار برده‌اند. شهید صدر، ناهمسانی دو اصطلاح موضوع و متعلق را در علم اصول چنین روشن می‌نماید:

ان الاحکام الشرعية لها متعلقات وهی الافعال التي یکون الحكم الشرعی مقتضياً لایجادها والزجر عنها كالصلاة فی «صل» و شرب الخمر فی «لاتشرب الخمر» و متعلق المتعلقات وهی الاشياء الخارجية التي يتعلق بها المتعلق الاول «كاقبلة والوقت فی الصلاة» والخمر فی «لاتشرب الخمر» والعقد فی «اوفوا بالعقود» وهذا ما یسمى بالموضوع. ۴۳

احکام شرع، متعلق‌هایی دارند این متعلق‌ها عبارتند از افعالی که:

۱. حکم شرعی، ایجاد آنها یا منع از آنها را اقتضا می‌کند، مانند: نماز در «صل» و شرب خمر در «لاتشرب الخمر»؛
۲. متعلق متعلق، یعنی همان اشیای خارجی که متعلق اول بر آن تعلق گرفته است، مانند: قبله و وقت نماز، خمر در «لاتشرب الخمر» و عقد در «اوفوا بالعقود». به این چیز «موضوع» گفته می‌شود. ۴۴

۴۲. ر. ک: بحوث فی علم الاصول (الحلقة الاولى)، سیدمحمدباقر صدر، المجمع العلمی للشهید الصدر، قم، ۱۵۸.

۴۳. همان، ۲، ص ۷۷.

۴۴. مرحوم محقق نائینی نیز دیدگاهی همانند شهید صدر را مطرح نموده است. (ر. ک: فوائد الاصول، ۱، ص ۱۴۵).

البته روشن است که شماری از افعال به خودی خود به چیز دیگری وابسته نیستند و متعلق متعلق در آنها صدق نمی‌کند، مانند وجوب نماز، روزه، حج و... در چنین مواردی وجوب را حکم و متعلق آن را که همان نماز، روزه و... است، موضوع حکم می‌گویند.

پس در مسئله مورد بحث، وقت نماز موضوع اصلی سخن ماست؛ زیرا فعلیت وجوب نماز، متوقف بر عینیت یافتن وقت نماز در خارج است و تا وقت نماز در خارج ظهور نیافته باشد، نماز هم واجب نخواهد شد. همچنین فعلیت وجوب روزه، متوقف بر رؤیت هلال و عینیت یافتن ماه مبارک رمضان است و تا این موضوع در خارج مشاهده شدنی نباشد، روزه‌ای هم واجب نخواهد بود، زیرا:

احکام شرعی همواره در قالب «قضایای حقیقه» جعل و تشریح شده است و قضایای حقیقه، اساساً گزاره‌های شرطی را دربر می‌گیرند. در این مجال مثال‌هایی چون «صل فی الوقت» و «صم اذا رأیت هلال شهر رمضان» وجود دارد که در آنها وجوب نماز، مشروط به ورود وقت آن و وجوب روزه، مشروط به رؤیت هلال ماه رمضان است.

اوقات نماز

پس از آشنایی با دیدگاه برخی از فقیهان، در مورد تکلیف نماز و روزه در مناطق قطبی و موضوع شناسی در علم اصول، باتوجه به اختلاف آرای زیادی که چه بسا بیرون از دایره ادله فقهی نشان داده شده و هاله‌ای از احتمالات را با خود به همراه دارند، ناگزیر و باید به معیارهای قرآنی و روایی نگاهی کرد تا زمینه نقد آرا فراهم شود.

آیاتی که اوقات نماز را تعیین و رعایت آنها را مطرح کرده است، فریضه نماز را مقید به زمان‌هایی معین نموده و خروج از آن را جایز ندانسته است:

«ان الصلاة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً». ۴۵

همانا نماز برای مؤمنان فریضه‌ای زمان‌دار است.

کلمه «موقوت» به معنای قرار دادن وقت برای امری است و ظاهر لفظ این است که نماز، وقتی تعیین شده‌ای دارد که باید در همان وقت‌ها به جای آورده شود. ۴۶

موقوتاً مفروضاً او محدوداً باوقات؛ ۴۷

واجب یا مقید به اوقات معی.

صاحب مسالک الافهام فی آیات الاحکام در تفسیر «کتاباً موقوتاً» می‌نویسد:

فرضاً محدوداً لاوقات لايجوز إخراجها عن أوقاتها المعينة لها

فی شیء من الاحوال... والموقوت المحدود بأوقات معينة

لايجوز التقديم عليها ولا التأخير عنها...؛ ۴۸

واجبی که محدود به اوقات معینی بوده و خارج شدن از آن

محدوده، و پس و پیش کردن آن هرگز جایز نیست.

از عبدالله بن مسعود هم روایت شده که گفته است:

ان للصلاة وقتاً كوقت الحج؛ ۴۹

برای نماز، وقتی همچون حج مقرر شده است.

۴۵. نساء، آیه ۱۰۳.

۴۶. المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق،

۵، ۶۳- (البته المیزان و برخی از تفاسیر «موقوت» را کنایه از ثبات و تغییرناپذیری

و ساقط نشدن آن در هیچ حالی نیز گرفته‌اند که با ظاهر لفظ همخوانی نشان

نمی‌دهد).

۴۷. تفسیر شبر، سید عبدالله شبر، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت،

۱۳۹۷ ق، ۱۲۴.

۴۸. مسالک الافهام فی آیات الاحکام، فاضل جواد کاظمی، تعلیق: محمد باقر

شریف‌زاده، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۸۷ ق، ۱، ۱۲۰.

۴۹. احکام القرآن جصاص، ابوبکر جصاص، المکتبه مصطفی احمد الباز، مکه،

۱۴۱۳ ق، ۲، ۳۷۴.

بنابراین بنا بر معنای آیه حتی در میدان جنگ، مسلمانان باید نماز را در اوقات معینی به جا آورند که نمی توان از آنها تخلف کرد. ۵۰

مفسران در تفسیر آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ فُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَكَيْسَ الْبِرِّ بَأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مِنْ أَيْمَنِ وَآثُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا...»^{۵۱} بر این باورند که جمله دوم آیه، ناظر به رعایت اوقات تعیین شده در نماز، روزه و سایر احکام دارد.

المیزان می نویسد:

این آیه - به عبارتی - از انجام اوامر و احکام الهی، در بیرون از دایره تکلیف پرهیز می دهد؛ چنان که انجام حج در غیر ماه هایش و روزه در غیر ماه رمضان جایز نیست؛ در غیر این صورت به منزله وارد شدن به خانه از غیر دروازه آن خواهد بود. ۵۲

بررسی احتمالات مطرح شده برای چگونگی نماز در قطبین چنان که در دیدگاه فقیهان اسلامی گذشت، درباره چگونگی انجام نماز و روزه در مناطق قطبی، شش نوع تکلیف احتمالی مطرح شده که عبارتند از:

۱. سقوط نماز و روزه؛
۲. سقوط نماز و روزه به صورت ادا و وجوب آن به صورت قضا؛
۳. ملاک دانستن وطن سابق؛
۴. رعایت الگوی مناطق معتدل؛
۵. وجوب هجرت به مناطق معتدله؛
۶. وجوب تنها نماز یک روز در طول سال و سقوط روزه؛

۵۰. تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۶ ق، ۴، ۱۰۵.

۵۱. بقره، آیه ۱۸۹.

۵۲. المیزان، ۲، ۵۷.



در هر ۲۴ ساعت، تنها موظف به برگزاری نمازهایی است که اوقات آنها وارد شده و با چشم عادی قابل رؤیت و تشخیص است و دیگر نمازها اصلاً موضوعیت وجوبی نخواهند داشت.

باتوجه به اینکه از این موارد شش گانه، مورد اول تاسوم، طرفدارانی جدی در میان فقیهان ندارد، به بررسی دیگر موارد می پردازیم:

۱. رعایت الگوی مناطق معتدله

شماری از فقیهان معتقدند که مکلف در مناطق قطبی، نزدیک ترین مکان به قطب را باید در نظر بگیرد که شبانه روز معمولی دارد و مطابق آن نماز و روزه خود را به جا آورد یا آن گونه که خود تشخیص می دهد، هر ۲۴ ساعت را تقسیم و مطابق آن نمازهای یومیه را برگزار کند.

نقد این دیدگاه

فقیهانی که این دیدگاه را پذیرفته و براساس آن فتوا داده اند، به مبانی فقهی خود اشاره ای نکرده اند، مگر یکی از آنان که به قاعده فقهی غیر مشهوری استدلال کرده که به رعایت حد متوسط اعضای انسانی در اندازه شستن صورت در وضو و تعیین میزان کر به وسیله وجب کردن با دست انسان معمولی اشاره دارد.

این استدلال به دلایلی چند پذیرفته نیست:

یکم. این اصل تنها در مقیاس اعضا و روحيات انسانی می تواند مصداق داشته باشد و فراتر از آن را دربر نمی گیرد.

دوم. این اصل در جایی مصداق می یابد که مقیاس و معیار در نص مشخص نیست و به قولی منطقة الفراغ است. برای مثال در نص قرآنی شستن

صورت در وضو گفته شده، ولی اندازه آن مطرح نگردیده است. از این رو، در فقه متوسط اعضای انسانی، مقیاس آن بیان شده است، در حالی که در اوقات نماز، مقیاس ها کاملاً در نص قرآنی بیان شده و نیازی به طرح چنین اصلی وجود ندارد.

میرزا محمدتقی آملی می نویسد:

... وکیف یصح فعلیة الواجب الموقت فی غیر وقت وجوبه،
ثم جعل المرجع البلاد المتوسطة مما لا وجه له؛^{۵۳}
چگونه انجام فعل واجبی که منحصر به زمان معینی است در
غیر وقتش صحیح است؟ همچنین قرار دادن معیار بلاد
متوسطه بر آن هم هیچ دلیلی ندارد.

سیدمحسن حکیم معتقد است:

... لا یظهر لهذا وجه، وکیف والصلوات الیومیة لها مواقیت
معینة مفقودة فی الفرض المذكور، فکیف تعجب فی غیر
وقتها؟^{۵۴}
بر آن معیار مناطق معتدله هیچ دلیلی وجود ندارد؛ چگونه این
کار ممکن است؟ در حالی که نمازهای روزانه ای که وقت
معینی دارد در فرض یاد شده فاقد آن وقت خواهند بود! پس
چگونه در غیر وقت خودشان واجب و قابل اجراست؟

سیدابوالقاسم خوئی می نویسد:

... والتبعية لافق آخر لیس علیها برهان مبین؛^{۵۵}
پیروی کردن از افق های دیگر، هیچ دلیل روشنی ندارد.

۵۳. مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۸، ۴۰۸.

۵۴. المستمسک العروة الوثقی، ۸، ۴۷۹.

۵۵. المستند فی شرح العروة الوثقی، سیدابوالقاسم موسوی خویی (۱۴۱۳ ق)، تقریر

شیخ مرتضی بروجردی، بی تا، ۲، ۱۴۴.



امام خمینی می فرماید:

فلا تصح صلاة الظهرين في الليل وإن انطبق على زوال آفاقنا
ولا يصح الصوم في بعض اليوم أو الليل وإن كان بمقدار
يوماً؛ ۵۶

نماز ظهر و عصر در شب صحیح نیست اگر چه بر ظهر
افق های ما منطبق باشد و روزه در قسمتی از روز یا شب
صحیح نیست، اگر چه به مقدار روز ما باشد.

۲. وجوب هجرت به مناطق معتدله

از بین فقیهان، سیدابوالقاسم خوئی بر این باور بود که صاحبان تکلیف در
مناطق قطبی باید آنجا را ترک کنند و به مناطق معتدل بروند و هجرت کنند تا
بتوانند نمازهای یومیه و روزه خود را در اوقات تعیین شده به جا آورند^{۵۷} و اگر
ناگزیر از اقامت در آنجا باشند، ظاهر این است که تکلیف به صورت ادا از آنها
ساقط و قضای آن واجب می شود.^{۵۸}

نقد این دیدگاه

اسلام طرح هجرت را برای شکستن حصارهای جاهلی فراروی مسلمانان
نهاده و به مهاجران حق طلب وعده پاداش نیکو در دنیا و آخرت^{۵۹} و وعده خانه
و زندگی و گشایش در کار دنیوی قرار داده^{۶۰} و به قدری بر آن تأکید نموده که
مهاجران را اجازه بازگشت نداده و آن را بسیار ناپسند می شمارد:

۵۶. تحریر الوسیلة، ۲، ۶۳۸.

۵۷. همان، ۱۴۳.

۵۸. همان، ۱۴۴.

۵۹. نحل ۱۶، ۴۱ (والذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا النبوتهم فی الدنيا حسنة
ولاجر الآخرة اکبر).

۶۰. نساء ۴، ۱۰۰ (ومن يهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض مراعماً کثیراً وسعة).

امام صادق (ع) می فرماید:

الکبائر سبع... والتعرب بعد الهجرة...؛^{۶۱}

گناهان کبیره هفت چیزند... (و یکی از آنها) بازگشت به افکار

جاهلی پس از هجرت به دامن توحید است.

اما با این همه تأکیدی که اسلام برای هجرت شمرده، تنها مواردی خاص

را دربر می گیرد، نه هر کوچ کردنی را.

مشهورترین آیات قرآنی که صراحتاً دستور هجرت داده اند، آیات ۹۷ - ۹۹

سوره نساء است که می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا
كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً
فَتَهَاجَرُوا... إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ
لَا يَسْتَطِيعُونَ حَبْلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا؛

کسانی که بر خویشان ستمکار بوده اند، [وقتی] فرشتگان

جانشان را می گیرند، می گویند: در چه [دینی] بودید؟ پاسخ

می دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می گویند: مگر

زمین خدا پهناور نبود تا در آن مهاجرت کنید؟ جز مردان و

زنان و کودکان مستضعفی که نمی توانند چاره ای بیندیشند و نه

راه به جایی برند.

این آیه دوگونه افراد را شامل می شود: نخست کسانی که در سرزمینی

واقع شده اند که در آنجا از اثر نبودن دانشمندان دین شناس، راهی برای

فراگرفتن معلومات دین ندارند، دوم درباره کسانی است که بر اثر شکنجه های

طاقة فرسا نمی توانند به تکالیف دینی خود عمل کنند، همچنین به واسطه

ضعف فکری یا ناتوانی بدنی و مالی و همانند آنها نمی توانند از شهر خود بیرون

۶۱. الکافی، شیخ کلینی (۳۲۶ هـ)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ۲،

بروند و به دارالاسلام هجرت کنند. ۶۲

پس کسانی که به دلیل دسترس نداشتن به مبانی دینی یا به دلیل موانع قانونی یا حاکمیتی کشوری، از اقامه تکالیف دینی و شعایر مذهبی خود بازمانده‌اند، در صورت داشتن امکانات لازم باید به سرزمین مناسبی هجرت نمایند که ادای وظایف دینی ممکن است،^{۶۳} یعنی در صورت داشتن توانایی لازم مهاجرت واجب و باقی ماندن در آن حرام است. ۶۴

امروزه مناطق قطبی و اطراف آن در حاکمیت کشورهای اسلامی نیست، اما برای انجام تکالیف عبادی - فردی نیز، ممانعتی گزارش نگردیده است و اگر هم گزارشی رسیده باشد، امروز چنین است و شاید فردا چنین نباشد. روزی را درباره آن مناطق فرض کنیم که همه مسلمان شده و تحت حکومت اسلامی قرار گرفته و مردم آنجا هیچ مشکلی و محدودیتی در فراگیری برنامه‌های اسلامی و انجام شعایر الهی ندارند؟ آیا آن وقت حکومت اسلامی باید به دلیل ناسازگاری افق شرعی آنها با مناطق معتدله، همه مردم آنجا را به مهاجرت بر مناطق معتدل وادارد و آن سرزمین‌ها را با تمام امکانات، تأسیسات، منابع طبیعی، زراعت، معادن، جنگل‌ها، مرزهای آبی و خاکی، به امان خدا وانهد؟

حتی اگر ادله و جوب هجرت شامل چنین مواردی شود باز موضوعیت اوقات نماز درباره کسانی که امکان هجرت نمی‌یابند، یا ملزم به سکونت در آن مناطق هستند در جای خود باقی است.

۶۲. ر. ک: المیزان، ۵، ۴۹.

۶۳. ر. ک: شرایع الاسلام، نجم الدین جعفر بن حسن (۶۷۶ق)، تصحیح: عبدالعسین محمد علی بقال، چاپ دوم، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق، ۱، ۲۷۹ (یجب المهاجرة عن بلد الشرك علی من یضعف عن اظهار شعائر الاسلام مع المکنة...).

۶۴. شهید اول «ویحرم المقام فی بلد المشرك لمن لا یتمکن من اظهار شعائر الاسلام» ر. ک: الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۱، ۳۳۰.

۳. وجوب نماز یک روزه در طول یک سال

چنان که در پیش گذشت، دیدگاه شماری از فقیهان معاصر بر این است که در مناطق مرکزی قطب شمال و جنوب که شش ماه از سال شب و شش ماه دیگر آن روز است تنها نماز یک روز در طول سال واجب خواهد بود نه بیش از آن و در مناطق نزدیک به قطب هم که این مدت کم و زیاد می شود، شب و روز و طلوع و غروب آفتاب، تعیین کننده اوقات نماز است.

نقد این دیدگاه از نگاه دیگران

این دیدگاه هرچند در انطباق با ظواهر آیات و روایات، منطقی تر و معقول تر از دیگر دیدگاه ها دیده می شود، ولی همچنان خالی از نقد نیست؛ زیرا دیگران بر آن نقد دوگانه ای کرده اند و نقدی هم از سوی این مقاله وارد است. نقدها در زیر می آید:

نقد اول: نیاز فطری انسان به نماز و عبادت

برخی بر این باورند که نماز، روح و اساس اسلام بوده و اسلامیت هر مسلمانی مبتنی بر رعایت نمازهای پنج گانه در مقیاس هر ۲۴ ساعت است و چون وجوب نمازهای پنج گانه، برخاسته از نیاز معنوی و فطری بشر است رعایت آن ضروری بوده و به هیچ وجه ساقط شدنی نخواهد بود.

پاسخ به این نقد

در پیش گذشت که چنین سخنان نقدآمیز، برخاسته از حالت تعبیدی و عادت مؤمنانه افراد در جغرافیای طبیعی همسان با منطقه نزول وحی بوده و دیدگاهی کاملاً ذهنی و انتزاعی می نماید. البته باید توجه داشت که «یادکرد خدا» و حفظ ارتباط معنوی، مخصوص اوقات پنج گانه نماز نبوده و قرآن و احادیث، همواره بر یاد خدا بودن در لحظه لحظه عمر انسانی تأکید می نمایند که نمونه های قرآنی آن عبارت است از:

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي



خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ
فَقْنَا عَذَابَ النَّارِ؛ ۶۵

آنان که خدا را ایستاده و نشسته و خوابیده یاد می کنند و در
آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند که پروردگارا این
[جهان] را بیهوده نیافریده ای، پاکی برای توست، پس ما را از
عذاب آتش نگاه دار.

... فَادْكُرُوا لِلَّهِ قِيَامًا وَّعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ...؛ ۶۶

خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و خوابیده یاد کنید.

و ده ها آیه دیگر که یاد کردن خدا را در تمام اعمال و رفتار انسانی و به
وسیله دعا و نمازهای واجب و مستحب مطرح می نماید.

از این رو روشن می شود که ارتباط دایمی با خدا منحصر به نمازهای
پنج گانه در هر ۲۴ ساعت نیست اما کسانی که می گویند: نمازهای پنج گانه به
هیچ حال ساقط شدنی نیست و باید در هر ۲۴ ساعت خوانده شوند، باید در
نظر داشته باشند که اولاً نماز در ایام عادت زنانه و بنابه دیدگاه فقیهانی در
«فقدان طهورین» و رکعاتی از آن در نماز مسافر و خوف ساقط می شود و ثانیاً
سقوط تکلیف هنگامی موضوعیت دارد که تکلیفی واجب شده باشد، ولی بنا
به اضطراری، انجام شدنی نباشد، مانند مثال های بالا، در حالی که باتوجه به
شرایط جوی، اصلاً برخی از اوقات شرعی وارد نمی شود تا نمازی هم واجب
شده باشد.

نقد دوم: احادیث اهل سنت

برخی از فقیهان اهل سنت، بیشتر به دو روایت ضعیف استناد نموده اند و
جوب نمازهای یومیه را در هر ۲۴ ساعت استنباط می نمایند. آن دو روایت
عبارت است از:

۶۵. آل عمران، آیه ۱۹۱.

۶۶. نساء، آیه ۱۰۳.

از عایشه روایت کرده‌اند که رسول خدا فرمود:

انَّ اللَّهَ أَفْتَرَضَ عَلَى الْعِبَادِ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ؛^{۶۷}
همانا خداوند برای بندگانش پنج نماز در هر شبانه روز واجب
نموده است.

این روایت علاوه بر ضعف روایی ناظر بر موضوعی است که خلافی در آن
وجود ندارد؛ زیرا بر وجوب نمازهای پنج‌گانه در هر شب و روز دلالت
می‌کند که مورد اتفاق همگان است. آنچه فقیهان را به اختلاف نظر واداشته،
همان مشاهده نشدن هر شب یا روز در دوره‌هایی از فصول در مناطق قطبی
است!

«نواس بن سمعان» می‌گوید: پیامبر (ص) در سوال از اینکه دجال چه
مدتی بر زمین خواهد ماند، فرمود: چهل روز که روزی از آن مانند سالی و
روزی مانند جمعه‌ای و سایر روزهای شما خواهد بود. اصحاب گفتند: یا
رسول الله! در روزی که همانند سال است، آیا نماز یک روز برای ما کفایت
می‌کند؟ فرمود نه، مقدارش را رعایت کنید (أقدروا له قدره)!^{۶۸}

این روایت هم علاوه بر ضعف، در عرضه به قرآن برای تشخیص صحت
و سقم آن، مخالف با ظواهر آیات قرآنی بوده و اعتباری ندارد. افزون بر آن،
روایات دجال با اضطراباتی که دارد، آمیخته با اسرائیلیات می‌نماید، چنان‌که
روایتی مشابه آن در پایان آن چنین می‌آورد:

... قالوا فكيف نصلّي يا رسول الله في تلك الايام القصار؟
قال: تقدرون فيها كما تقدرون في الايام الطوال؛^{۶۹}

۶۷. كتر العمال، حسام الدين متقى هندی، (۹۷۵ هـ)، تحقیق: محمود عمر
الدمیاطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق = ۲۰۰۴ م، ۷، ۱۱۵، حدیث
۱۸۸۷۸.

۶۸. همان، ۱۴، ۱۳۸.

۶۹. همان، ۱۳۹.



گفتند: یا رسول الله! چگونه در آن روزهای کوتاه نماز بخوانیم؟ فرمود: تنظیم کنید چنان که در روزهای طولانی چنان می کنید!

نقد سوم: تعریف شبانه روز در مناطق قطبی

نقد دیگری که بر دیدگاه «وجوب هفده رکعت نماز در طول یک سال در مناطق قطبی» می شود این است که دیدگاه یاد شده، شب به ظاهر شش ماه یا کمتر از آن را در مناطق نزدیک به قطب، یک شب فرض نموده و همه شش ماه روز یا کمتر از آن را یک روز تلقی کرده و مطابق آن نظر داده است، در حالی که اطلاعات علمی حکایت از آن دارد که شب ها و روزهای طولانی، از شب ها و روزهای متصل به هم تشکیل می یابند که در هر ۲۴ ساعت از تغییرات جوی همانندی برخوردارند، یعنی شب ها و روزهای قطبی وضعیت جوی یکسانی در طول هر ۲۴ ساعت ندارند، بلکه از روشنایی و تاریکی ناهمسانی برخوردارند.

به بیانی دیگر در مناطقی که چندین روز، غروب آفتاب در آن وجود ندارد، حرکت ظاهری آفتاب در هر ۲۴ ساعت چنان است که وسط روز (وقت نماز ظهر) و هنگام عصر (وقت نماز عصر) در آن کاملاً مشهود است، هر چند که محل رؤیت خورشید، متفاوت از مناطق معتدل بوده باشد و در روزهایی که طلوع آفتاب در آن دیده نمی شود، وقت نمازهای صبح و مغرب و عشا با تاریک شدن کامل هوا و گرگ و میش شدن آن نمایان است.

شفق شمالی یا سپیده دم قطبی، نوعی روشنایی است که در هنگام شب در نزدیکی قطب شمال (مثلاً شمال نروژ) دیده می شود. روشنایی مشابه آن در نیم کره جنوبی دیده می شود که فجر جنوبی خوانده می شود.^{۷۰}

۷۰. دایرة المعارف، مهرداد مهرین، چاپ اول، سازمان انتشارات جاویدان، تهران،

نتیجه

قرآن و روایات اسلامی، جز مقیاس‌های طبیعی و جهانی که طلوع و غروب آفتاب و شب و روز ظاهری است، مقیاس دیگری را برای اوقات نماز نمی‌پذیرد.

باتوجه به وضعیت جوی مناطق قطبی، در آنجا در ایامی از سال، اوقات عشا و مغرب و صبح پدیدار نیست و در ایامی از سال، اوقات ظهر و عصر وجود ندارد و گاهی هم شاید فجر و مغرب در فضای آن دو وضعیت، حالت متغیری داشته باشد.

به بیانی دیگر، فرد مکلف در مناطق قطبی و اطراف آن، تنها اوقاتی از نمازها را در هر ۲۴ ساعت درک می‌نماید و برخی از آنها را نمی‌بیند.

از این رو، در هر ۲۴ ساعت، تنها موظف به برگزاری نمازهایی است که اوقات آنها وارد شده و با چشم عادی قابل رؤیت و تشخیص است و دیگر نمازها اصلاً موضوعیت و جویی نخواهند داشت؛ یعنی تکلیف در فرض شش ماه شب تنها بر نمازهای مغرب، عشا و صبح (در هر ۲۴ ساعت) محقق است و در فرض شش ماه روز، تکلیف تنها بر نمازهای ظهر و عصر (در هر ۲۴ ساعت) محقق می‌شود و در مناطق نزدیک به قطب و در زمان‌های تغییر وضعیت‌های جوی، تطبیق اوقات نماز با افق موجود، همچنان معیار تکلیف برای نمازگزار است.

روزه هم باتوجه به مغایرت جوی آن مناطق با مناطق معتدله و ناممکن بودن آن، موضوعیت و جویی ندارد و قضایی هم بر آن متصور نیست؛ زیرا اصلاً بر مکلف ساکنان آنجا، وقت روزه‌ای وارد نشده تا اینکه قضایی هم داشته باشد.